

به نام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین



دبستان پسرانه مهارت

اولین مدرسه هوشمند و تخصصی مهارت محور

دستور زبان فارسی

پایه پنجم دبستان



طراحان: معلمان پایه پنجم دبستان پسرانه مهارت (لیلا سهام پور، سمیه اخلاقی)

سال تحصیلی ۰۲-۰۱



- قالب شعر: شکل آرایش مصراع‌ها و نظام قافیه‌آرایی آن است.

- بیت: به هر سطر از یک شعر بیت می‌گویند. (نکته: کوچکترین واحد شعر یک بیت است).

- مصراع (مصرع): هر بیت از دو قسمت تشکیل شده است که هر قسمت یک مصراع نام دارد.

مثال: بشنو این نی چون شکایت می‌کند از جدایی‌ها حکایت می‌کند

- قافیه: به کلمات غیر تکراری گفته می‌شود که در پایان بیت‌ها و مصراع‌ها می‌آیند، به طوری که یک یا چند حرف آخر آن‌ها با هم مشترک است.

مثال ۱: آتش عشق است کاندر نی فتاد جوشش عشق است کاندر می‌فتاد

مثال ۲: سرآن ندارد امشب که برآید آفتابی چه خیال‌ها گذر کرد و گذر نکرد خوابی

- ردیف: کلمات یا کلماتی است که بعد از قافیه در پایان مصراع‌ها و ابیات می‌آیند و عیناً از نظر لفظ و معنی یکسان می‌باشند.

برق با شوقم شراری بیش نیست شعله، طفل نی سواری بیش نیست

آرزوهای دو عالم دستگاه از کف خاکم غباری بیش نیست

- انواع قالب‌های شعری:

۱. مثنوی: شعری است بر یک وزن، که هر بیت قافیه‌ای جداگانه دارد. و چون هر بیت دارای دو قافیه است آن را مثنوی (مزدوج یا دوتایی) نامیده‌اند.

△ _____	△ _____
○ _____	○ _____
◇ _____	◇ _____
☆ _____	☆ _____

۲. قصیده: شعری است بر یک وزن و یک قافیه که مصرع اول بیت نخست با همه‌ی مصراع‌های دوم ابیات دیگر هم‌قافیه باشد.

△ _____	△ _____
△ _____	_____
△ _____	_____
△ _____	_____

۳. قطعه: شعری است متشکل از چند بیت هم‌وزن که فقط مصراع‌های دوم آن هم‌قافیه باشد.

△ _____	_____
△ _____	_____
△ _____	_____
△ _____	_____

۴. چهارپاره: شعری است متشکل از دوبیتی‌هایی با معنای منسجم که مصراع‌های زوج هر بند دوبیتی هم‌قافیه هستند.

△ _____	_____
△ _____	_____

○ _____	_____
○ _____	_____



- آرایه ادبی: به کار بردن فنونی است که رعایت آن‌ها بر جلوه‌ها و جنبه‌های زیبایی و هنری سخن می‌افزاید.

- انواع آرایه‌های ادبی:

۱. کنایه: اگر به جای نام بردن مستقیم از یک چیز، از چیزی که یادآور آن باشد نام ببریم، از این آرایه استفاده کرده‌ایم.

مثال: میهن دوستان تا آخرین قطره‌ی خون، در برابر دشمن، پایداری خواهند کرد.

(کنایه از آخرین توان و نیرو و تا لحظه مرگ)

۲. تشبیه: به یاد آوردن شباهت یا شباهت‌های دو چیز مختلف از جهت یا جهات گوناگون است.

مثال: سنگ کوهت دُرّ و گوهر است خاک دشتت بهتر از زر است

(سنگ کوه را به گوهر تشبیه کرده است.)

۳. تضاد: به معنای آوردن دو کلمه با معنی متضاد است در سخن برای روشنگری، زیبایی و لطافت آن است.

مثال: ای همه هستی ز تو پیدا شده خاک ضعیف از تو توانا شده

ضعیف و توانا با هم متضاد هستند.

۴. جان‌بخشی (تشخیص): زمانی که صفت‌ها یا رفتار انسانی را به جانوران یا اشیاء نسبت می‌دهند، از این آرایه استفاده شده است.

مثال: گل بخندد بر سر گل‌بوته‌ها پر کند بوی خوش گل، باغ را

خندیدن یک رفتار انسانی است

۵. مراعات‌النظیر (تناسب): آوردن واژه‌هایی از یک دسته که با هم هماهنگی دارند. (جنس، نوع، مکان، زمان)

مثال: بحر آفرید و بر و درختان و آدمی خورشید و ماه و انجم و لیل و نهار کرد

۶. مبالغه (بزرگ‌نمایی): بزرگ‌نمایی یا مبالغه در کلام، آن است که در وصف کسی یا چیزی، ویژگی‌های آن را بسیار بزرگتر و فراتر از آنچه که هست، بیان کنند. مبالغه بر زیبایی کلام و جنبه‌های عاطفی و احساسی شعر یا نثر می‌افزاید.

مثال: شود کوه آهن چو دریای آب اگر بشنود نام افراسیاب



- نشانه‌ها (حروف الفبا):

الف - ب - پ - ت - ث - ج - چ - ح - خ - د - ذ - ر - ز - ژ - س - ش - ص - ض - ط - ظ - ع - غ - ف
ق - ک - گ - ل - م - ن - و - ه - ی

- صداها:

ا - آ - اَ - اِ - اُ - ه - اُ - اَ - او - ای - ای

۱. معنادار (اسم) مثل: کتاب، میز، دفتر و
۲. بی معنا (حرف) مثل: از، به، را و

- کلمه:

- کلمات جمع: کلمات معنادار برای آنکه جمع بسته شوند از ها (تمام کلمات)، ان، ات و گان (در برخی کلمات) در انتهای کلمات استفاده می‌کنیم.

- جمع مکسر: در برخی کلمات عربی، زمانی که جمع بسته می‌شوند، شکل کلمه تغییر می‌کند. مانند کتاب: کتب

نکته: (ان) گاهی در کلمات نشانه جمع نیست و مربوط به ساختار کلمه است مثل داستان و یا به معنای زمان و مکان باشد مثل: بهاران (زمان بهار)، گیلان (محل سکونت مردم گیل)

۱. ساده: اسمی که از یک بخش ساخته شده است. ما در- استقلال - پدر- فکر
۲. غیر ساده: اسمی که بیش از یک بخش دارد. کتابخانه- دفترچه- ناسپاس

- اسم:

نکته: در کلمات غیر ساده بخش‌ها دو حالت دارند. ۱. همه‌ی بخش‌ها معنی دارند. مثال کتابخانه

۲. یک بخش بدون معنی است که به آن (وند) گویند. مثال: دفترچه (پسوند) - ناسپاس (پیشوند)

- حرف ← کلمه هایی که معنی مستقلی ندارند.

- انواع حرف:

۱. حرف ربط یا پیوند: این حروف بین جمله‌ها می‌آیند و جمله‌ها را به هم مرتبط می‌کنند حروف ربط عبارتند از:

و- ولی -اگر -یا- تا- اما -زیرا -چون و ...

محمد به مدرسه نرفت زیرا بیمار بود.

۲. حرف عطف: این حروف بین دو کلمه می‌آیند **واو** از حروف عطف است.

میثم و میلاد به مسابقه فوتبال رفتند.

۳. حرف اضافه: می‌توان با این حروف کلمه‌های دیگری به جمله اضافه کرد به همین دلیل حروف اضافه نام دارند.

مثال علی به مدرسه می‌رود. علی از خانه به مدرسه می‌رود.

حروف اضافه عبارتند از: از- در -به -با- بر -برای- تا

کلمه بعد از حروف اضافه نقش **متمم** دارد.

برگ برگ گل به رقص باد ریخت (به: حرف اضافه رقص باد: متمم)

رستم با دیو سپید جنگید و بر او پیروز شد (با: حرف اضافه دیو سپید: متمم بر: حرف اضافه او: متمم)

۴. حرف نشانه: حرفی است که برای تعیین نقش کلمه در جمله می‌آید.

شامل: الف) حرف ندا: ← حرف (ا) در آخر برخی کلمات مثل خدایا، پروردگار

ای در ابتدای برخی کلمات مثل ای خدا، ای برادر

ب) نشانه مفعول: را حرف نشانه مفعول است آتش مغازه‌ی پیرمرد را سوزاند

البته را همیشه نشانه مفعول نیست و باید به معنی آن توجه کرد.

مثال: نوح را روزگار سرآمد ← یعنی روزگار نوح سر آمد.

لقمان را گفتند ← یعنی به لقمان گفتند.

– جمله:

جمله به مجموع کلماتی می‌گویند که معنی داشته و پیامی را به شنونده انتقال دهد.

نکته: مهم‌ترین بخش جمله (قسمت اصلی جمله)، فعل جمله است.

– انواع جمله:

۱. جمله‌ی خبری: خبری را بیان می‌کند. مثال: احمد آمد.

۲. جمله‌ی پرسشی: یک پرسش وجود دارد و در پایان آن علامت سوال قرار می‌گیرد. مثال: چه کتابی را خریدی؟

گاهی جمله پرسشی مانند جمله‌ی خبری است و تنها آهنگ و لحن آن متفاوت است. مثال: احمد کتاب خرید؟

۳. جمله‌ی امری: حاوی یک دستور است. مثال: آرام باش.

۴. جمله‌ی عاطفی: عواطف انسان را از قبیل تعجب، شادی، خشم، نفرت، دعا و ... را بیان می‌کند. مثال: عجب هوای خوبی!

در انتهای جمله‌ی عاطفی از علامت تعجب استفاده می‌کنیم.

– شبه‌جمله: گروهی از کلمات است که مفهوم جمله در آن نهفته است. شبه‌جمله‌ها برای بیان احساسات و عواطف، امید و آرزو و دعا، تشویق و تحسین، درد و تأسف، تعجب، تنبیه و پرهیز، امر، احترام و قبول، و جواب و تصدیق به کار می‌روند؛ مانند «احسنت»، «امان»، «کاش»، «آه»، «شگفتا»، «به چشم»، «خموش»، «آری» و ...

دسته‌ای از شبه‌جمله‌ها شخصی را مخاطب قرار می‌دهند و شبه‌جمله منادا نام دارند. مثلاً «سعیدیا» در «سعیدیا مرد نکونام نمیرد هرگز»

البته اصواتی نیز وجود دارند که به ویژه برای حیوانات به کار می‌روند؛ مانند «کیش کیش» برای دور کردن پرندگان.

– نهاد و گزاره:

جمله به دو قسمت «نهاد» و «گزاره» تقسیم می‌شود.

نهاد: بخشی از جمله است که خبری درباره آن می‌دهیم.

فارسی زبان رسمی کشور است.

نهاد گزاره

گزاره: همان خبر است که درباره نهاد می‌گوییم.

- اجزای جمله:

کلمات در جمله‌ها نقش خاصی به خود می‌گیرند که در زیر به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. **فعل:** اصلی‌ترین بخش جمله است.

فعل کلمه‌ای است که انجام گرفتن کار یا رخ دادن حالتی را در یکی از زمان‌های سه‌گانه‌ی گذشته، حال و آینده نشان می‌دهد. باید توجه داشت که در هر فعل چهار ویژگی از اهمیت زیادی برخوردار است عبارت‌اند از:

الف. مفهوم انجام گرفتن کار یا حالت ب. شخص (اول شخص، دوم شخص، سوم شخص)

ج. زمان د. مفرد و جمع

۲. **فاعل:** به نهادی گفته می‌شود که انجام فعل یا کاری را به آن نسبت می‌دهیم. برای مثال، در جمله «علی شیشه را شکست» کننده‌ی کار «علی» است که کار شکستن شیشه را انجام داده است. بنابراین، «علی» فاعل است.

۳. **مفعول:** برعکس فاعل، کسی یا چیزی است که کاری روی آن انجام شده است. برای مثال، در همان جمله «علی شیشه را شکست» که فاعل آن «علی» بود، «شیشه» مفعول است؛ زیرا عمل شکستن روی آن انجام شده و فاعل این کار را انجام داده است.

۴. **قید:** واژه‌ای است که به مفهوم «فعل» اضافه می‌کند و توضیحی درباره‌ی آن می‌دهد. مانند: محمد تند می‌رود.